

استان در دوران قاجار

گروه تاریخ

گزارش

بوده است که تا سن ۱۸ سالگی هنوز ختنه نشده بوده اما نه نویسنده و نه پژوهشگر و نه ناشر، هیچ کدام در متن یا پاورقی به دلیل این ختنه‌ی دیرهنگام اشاره‌ای نمی‌کنند:

«عزیزالسلطان هجده سال دارد. حالا ختنه‌اش کرده بودند. توی رخت خواب خوابیده. زنش هم پهلوی او نشسته بود. یکی از دخترهای شاه نامزدش هست. تا حالا شاه می‌گفت عزیز دردش می‌آید. حالا خودش راضی شده. این قدر شال و پول و جواهر از هرجا آورده بودند که حساب نداشت. امروز دو سه روز است ختنه کرده‌اند.»

نویسنده‌ی سفرنامه توانسته تصاویری زنده و تاثیرگذار از زمانه‌ای که در آن به سر می‌برده، ارائه دهد و در توصیف محیط قلم شیوایی داشته است.

او زنی درباری بوده و در زمان ناصرالدین شاه می‌زیسته و این سلسله نوشتار، روایت سفر حج او از کرمان و بمبئی به مکه است.

عالیه خانم شیرازی سفرش را از کرمان آغاز کرده و با گذر از بمبئی به عربستان و عراق رفته و پس از انجام اعمال حج و زیارت به ایران بازگشته و مدتی را در دربار ناصرالدین شاه وقت گذرانده و سپس از قم و کاشان و یزد به کرمان بازگشته است. اگر از خود می‌پرسید چرا سفرنامه از کرمان آغاز شده درحالی که عالیه خانم عنوان شیرازی دارد و از طرفی درباری هم بود، باید بگوییم که عالیه خانم فقط از اشراف بوده اما در کرمان زندگی می‌کرده است. در طول این مسیر شرایط اقتصادی و اجتماعی کرمان و دهر سرد و ارزویی و چند منطقه از استان را توضیح داده است.

کتابخانه‌ی دانشگاه تهران، نسخه‌ی خطی سفرنامه‌ی عالیه خانم را از مجموعه کتابخانه امام جمعه کرمان در اختیار دارد و نشر اطراف ناشر این کتاب قطعی جیبی و خوش‌دست است.

همه‌ی نقطه ضعف‌های تاریخ‌نویسی گذشته‌ی ایران یکی را هم تمرکز بر دربار شاهان و کم‌رنگ بودن مردم و شرایط فرهنگی و اقتصادی آنان دانسته‌اند. از این رو سفرنامه‌ها می‌توانند این ضعف ما را در شناخت تاریخ خودمان جبران کنند.

آیین‌های مردمی، رسم و رسوم و خلق و خوی مردم هر شهر می‌تواند بخشی از یادداشت‌های روزانه‌ی یک سفرنامه‌نویس خوب باشد و دانش ما را از شرایط جوامع قدیم بیشتر کند.

زیرا مسافرت در زمان‌های قدیم به دلیل نبود وسایل حمل و نقل، ماه‌ها طول می‌کشید. به همین خاطر سفرنامه‌های قدیمی برخلاف امروز فقط شرحی بر مبداء و مقصد نیستند بلکه دارای نکته‌های بی‌شمار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی بسیاری از زندگی مردم جای جای مناطق مختلف در طول یک مسیر دراز هستند. پس می‌توانند به عنوان منبع شناخت بهتر تاریخ مورد استفاده قرار بگیرند. به همین موضوع نیز پشت جلد کتاب «چادر کردیم رفتیم تماشا» گوشزد شده که ثبت ریزه کاری‌ها و روزمرگی‌ها و روایت جزئیات، تصویر روشنتری از گذشته‌های دور در اختیار ما می‌گذارد. به این‌ها اضافه کنید دل و جرات زنانه‌ی او که معذوریت‌ها و بیم‌های مردان قدرت را نداشته‌اند و در گزارش واقعیت‌ها، صادق‌تر بی‌پروا تر بوده‌اند.

برای نمونه در یک بخش از همین کتاب می‌خوانیم: «در دهر سرد لنگ کردیم. اهل این ده به واسطه ظلم و تعدی ابوالفتح‌خان پارسال فرار کردند، ده را لم‌یزرع گذارده‌اند. باغ‌های ایشان بی‌صاحب مانده. پارسال ملخ خورده بود، امسال هم ملخ زیادی در باغستان آن‌ها ریخته. خداوند محافظت فرماید. نه نان پیدا می‌شود، نه گاه و نه جو.»

اما از خوانندگی‌های بسیار جالب و در عین حال پامزه‌ی کتاب ماجرای ختنه سوران یک بزرگسال به نام عزیزالسلطان است که گویا داماد شاه شده و شاید از اقلیت‌های دینی

اگر تماشای سریال جیران، حس کنجکاو‌ی‌تان را نسبت به دوره‌ی طولانی سلطنت ناصرالدین شاه قاجار و شرایط زنان آن دوره -به ویژه زنان درباری- برانگیخته است و دنبال خواندن و کسب اطلاعات بیشتر، مستندتر و دقیق‌تر درباره‌ی این موضوع هستید، سراغ کتاب خوبی آمده‌اید.

«عصرها می‌رفتیم حیاط شاه، هشتاد زن شاه همه بزرگ می‌کنند، زرد، سرخ، سبز، همه رنگ، چارقدها کارس نازک، مثل ملانکه‌های تعزیه. شاه خودش جلو می‌افتد، زن‌ها دنبالش. دور حیاط می‌گردد، با تعجیل مثل این‌که کسی دنبالش کرده باشد. گاهی با غلام‌بچه‌ها گوی بازی می‌کند. گاهی با زن‌ها شوخی می‌کند. حیاط شاه هم خیلی بزرگ است. در وسط حیاط نرده آهنی ساخته‌اند، دو ذرع قدش. سرهای این‌ها را مثل سرنیزه تیز کردند که کسی نتواند بالا برود. بزرگی صحن آن نرده هر طرفی چهل و پنج قدم من است. وسط این، عمارتی بلند ساختند سه طبقه که خوابگاه شاه آن‌جاست. شب‌ها آن‌جا می‌خوابد و زیرزمین این عمارت خزینه است که هر چه پول می‌آورند، آن‌جا می‌آورند.»

این یک بخش کوتاه بود از کتاب جذاب و خواندنی «چادر کردیم رفتیم تماشا». سفرنامه‌ای که اگر یک صفحه‌اش را بخوانید، فضولی‌تان آن قدری گل می‌کند که نتوانید در برابر وسوسه‌ی خواندن صفحه‌های بعدی مقاومت کنید.

«چادر کردیم رفتیم تماشا» سفرنامه‌ی یک زن مهم در دوره‌ی قاجار است به نام عالیه خانم شیرازی. کتابی که به کوشش زهره ترابی و رسول جعفریان توسط نشر اطراف منتشر شده است.

ولی اشتباه نکنید. این کتاب فقط توصیف دربار ناصری و درباریان‌ش نیست. از میان